



نجات از طریق ایمان به مسیح

خوار شمردید و رد کردید ، ولی اکنون مهمترین سنگ بنا شده است . در هیچ کس دیگر نجات نیست و در زیر آسمان هیچ نامی جز نام عیسی به مردم عطا نشده است تا بوسیله آن نجات یابیم" (کارهای رسولان باب ۳ آیه ۱۱-۱۲).

اما پولس رسول آن مرد با ایمان که زندگی خود را برای شهادت دادن به مسیح نجات دهنده عالم وقف کرد می فرماید : " زیرا اگر با لبان خود اعتراف کنی که عیسی خداوند است و در قلب خود ایمان آوری که خدا او را پس از مرگ زنده ساخت نجات خواهی یافت . زیرا انسان با قلب ایمان میاورد و نیک محسوب میگردد و با لبهای خود به به ایمانش اعتراف میکند و نجات میابد . کتاب مقدس می فرماید : هر که به او ایمان آورد هرگز خجل نخواهد شد" (رساله به رومیان باب ۱۰ آیه ۹-۱۱).

همه این آیات بر این نکته تأکید دارند : نجات یافتن و وارث زندگی جاودانی شدن را تنها از راه ایمان به عیسی مسیح امکان پذیر است .

بر حسب تعالیم کتاب مقدس و آموزه های کلیسا ، ایمان یک اقرار لفظی و زبانی به اینکه عیسی مسیح پسر خدا و نجات دهنده کل بشریت است نیست ، بلکه یک شهادت زندگی است که توسط آن ایماندار مسیحی باورهای ایمانی خود را نمایان میسازد تا برای دیگران نوری و هدایت کننده ای باشد بسوی آن حقیقت کامل که در مسیح تجلی یافت . چنین ایمانی زنده و اثر گذار منشأش خود انسان نیست ، لیکن فیضی است رایگان از خدا که می خواهد همه مردم از راه ایمان به مسیح نجات یابند .

دوستان گرامی ، عنوان این مقاله موضوع اصلی انجیل مقدس ما را تشکیل میدهد . نجات و دست یافتن به زندگی جاودانی آرزوی هر انسان است لیکن تجربیات زندگی نشان میدهند که هیچ انسان با قدرت خویش نمی تواند بدین آرزو تحقق بخشد. از ایام قدیم و زمانهای کهن مردم جهت پذیرفتن فیض نجات و زندگی جاودان را به خدایان متعدد و نیروهای ما فوق الطبیعی متوسل شدند لیکن ما مسیحیان ایمان داریم به اینکه تنها توسط مسیح است که هر انسان می تواند نجات یابد و فیض زندگی جاودانی را دریافت نماید. انجیل مقدس چندین بار عیسی مسیح را بعنوان نجات دهنده عالم معرفی میکند. در شب میلاد با شکوهش فرشته از آسمان ظاهر شد و به چوپانانی که از گله خود نگهبانی میکردند فرمود: "نرسید ، من برای شما مژده ای دارم ، شادی بزرگی شامل حال تمامی این قوم خواهد شد. امروز در شهر داود نجات دهنده ای برای شما به دنیا آمده است که مسیح و خداوند است" (انجیل لوقا باب ۲ آیه ۱۰-۱۱).

همچنین طبق انجیل یوحنا سامریانی که به عیسی ایمان آورده بودند به زن سامری گفتند : "حالا دیگر به خاطر حرف تو نیست که ما ایمان داریم زیرا ما خود سخنان او را شنیده ایم و می دانیم که او در حقیقت نجات دهنده عالم است" (باب ۴ آیه ۴۲).

پطرس رسول نیز پس از اینکه مرد مفلوج را با قدرت نام عیسی شفا بخشید بزرگان یهود او را به زندان انداختند و از او خواستند تا اینکه به نام عیسی دیگر سخن نگوید ، اما او گفت : "این همان سنگی است که شما بنایان آنرا

پیروی کند در تاریکی سرگردان نخواهد شد ، بلکه نور حیات را خواهد داشت" (انجیل یوحنا باب ۸ آیه ۱۲).
بمناسبت «سال ایمان» متذکر شویم که نور ایمان از همان روز تعمیدمان در قلب ما درخشید و ما را با عیسی مسیح که سر چشمه نور ابدی و پایان ناپذیر است متحد ساخت . بنابراین اجازه ندهیم تا جهان امروز با دلایل پوچ و راههای انحرافی نوری را که در زندگی ما تابید به تاریکی مبدل کند که عاقبتش پشیمانی و مرگ ابدی می باشد. پولس رسول در رابطه با این مطلب می فرماید :
"شما زمانی در تاریکی بودید اما اکنون در اتحاد خود با خداوند در نور هستید . پس مانند فرزندان نور زندگی کنید. زیرا هر کجا نور باشد ، همه نوع خوبی ، نیکی و حقیقت نیز به وجود میاید . بکوشید تا آنچه خداوند را خشنود میسازد دریابید. در انجام کارهای بیهوده ظلمت شریک نباشید ، بلکه ماهیت آنها را در برابر نور آشکار سازید" (رساله به افسسیان باب ۵ آیه ۸-۱۱).

خدمتگزار شما

رمزی گرمو

اسقف اعظم خلیفه گری آشوری کلدانی کاتولیک تهران



ایمان واقعی به معنی پایبند بودن به مجموعه ای از حقایق نظری و تئوریهای علمی نیست ، بلکه عشق ورزیدن به شخص مسیح و کلیسای مقدس او می باشد بدون چنین عشقی ایمان باطل و بیهوده است . قدیس آگوستین در اثر تجربیات روحانی عمیق خود میگوید :
"ایمان داشتن به خدا یعنی دوست داشتن اوست".

دوستان عزیز : نگذاریم «سال ایمان» به پایان برسد بدون اینکه یک تحول عمیق و شادی آور را در زندگیمان پدید آید. چنین تحولی امکان پذیر نیست مگر اینکه فیض ایمان که دریافت نموده ایم منشأ یک زندگی کاملاً نوین بوده که با تعالیم انجیل مقدس مطابقت داشته باشد. منظور از زندگی نوین آن زندگی است که حضور مسیح زنده را در درون خود تجربه میکند و او را به مردم آشکار میسازد. پولس رسول که در اثر ملاقاتش با عیسی مسیح کاملاً دگرگون شد و یک زندگی نوینی را آغاز نمود که به شهید شدنش خاتمه یافت درباره زندگی کامل در مسیح چنین می فرماید: "پس همانطور که روزی مسیح عیسی را به عنوان خداوند خود پذیرفتید ، اکنون همیشه در اتحاد با او زندگی کنید. در او ریشه بگیرید و رشد کنید ، همانگونه که تعلیم یافتید در ایمان استوار باشید و در ستایش خدا برای دیگران نمونه باشید . مواظب باشید مبدا کسی با دلایل پوچ و فلسفه ای که متکی به سنتهای انسانی و عقاید بچه گانه این جهان است شما را اسیر خود سازد. این تعالیم از مسیح نیست، زیرا الوهیت بطور کامل در مسیح مجسم شد و شما نیز بوسیله اتحاد با او که بالاتر از همه قدرتها و ریاستهاست کامل شده اید" (رساله به کولسیان باب ۲ آیه ۶-۱۰).

فیض ایمان به ما می آموزد که هرگز شک نداشته باشیم به اینکه خدا هست و ما را دوست میدارد او محبت خود را توسط پسر محبوبش عیسی مسیح برای ما ظاهر و ثابت نمود ، به همین دلیل ما مسیحیان معتقدیم که سرور و نجات دهنده ما عیسی مسیح شاهد زنده و همیشگی محبت خدا برای همه بشریت می باشد ، توسط اوست که هر انسان می تواند از نور ایمان بهره مند گردد . "عیسی به مردم گفت : من نور جهان هستم ، کسیکه از من

ایمان آهنگر

آهنگری پس از گذراندن جوانی پرشور و شور، تصمیم گرفت روحش را وقف خدا کند. سال‌ها باعلاقه کار کرد به دیگران نیکی کرد، اما با تمام پرهیزگاری، در زندگی‌اش اوضاع درست به نظر نمی‌آمد. حتی مشکلاتش مدام بیش‌تر می‌شد.

یک روز عصر، دوستی که به دیدنش آمده بود و از وضعیت دشوارش مطلع شد، گفت:

«واقعاً که عجب! درست بعد از این که تصمیم گرفته‌ای مرد خداترسی بشوی، زندگی‌ات بدتر شده، نمی‌خواهم ایمانت را ضعیف کنم اما با وجود تمام رنجهایی که در مسیر معنویت به خود داده‌ای، زندگی‌ات بهتر نشده. آهنگر مکث کرد و بلافاصله پاسخ نداد. سرانجام در سکوت، پاسخی را که می‌خواست یافت.

این پاسخ آهنگر بود: در این کارگاه، فولاد خام برآیم می‌آورند و باید از آن شمشیر بسازم. می‌دانی چه طور این کار را می‌کنم؟ اول تکه‌ی فولاد را به اندازه‌ی جهنم حرارت می‌دهم تا سرخ شود. بعد با بی‌رحمی، سنگین‌ترین پتک را بر می‌دارم و پشت سرهم به آن ضربه می‌زنم، تا این که فولاد، شکلی را بگیرد که می‌خواهم. بعد آن را در تشت آب سرد فرو می‌کنم، و تمام این کارگاه را بخار آب می‌گیرد، فولاد به خاطر این تغییر ناگهانی دما، ناله می‌کند و رنج می‌برد. باید این کار را آن قدر تکرار کنم تا به شمشیر مورد نظرم دست بیابم. یک بار کافی نیست. آهنگر مدتی سکوت کرد و سپس ادامه داد: گاهی فولادی که به دستم می‌رسد، نمی‌تواند تاب این عملیات را بیاورد. حرارت، ضربات پتک و آب سرد، تمامش را ترک می‌اندازد. می‌دانم که این فولاد، هرگز تیغه‌ی شمشیر مناسبی در نخواهد آمد. آنوقت است که آنرا به میان انبوه زباله‌های کارگاه می‌اندازم. باز مکث کرد و بعد ادامه داد:

می‌دانم که در آتش رنج فرو می‌روم. ضربات پتکی را که زندگی بر من وارد کرده، پذیرفته‌ام، و گاهی به شدت احساس سرما می‌کنم. انگار فولادی باشم که از آبدیده شدن رنج می‌برد. اما تنها دعایی که به درگاه خداوند دارم این است:

«خدای من، از آنچه برای من خواسته‌ای صرف نظر نکن تا شکلی را که می‌خواهی، به خود بگیرم. به هر روشی که می‌پسندی ادامه بده؛ هر مدت که لازم است، ادامه بده، اما هرگز، هرگز مرا به کوه زباله‌های فولادهای بی‌فایده پرتاب نکن.»

قابل توجه جوانان عزیز

مراسم برگزاری روز جوانان که قبلاً اعلام شده بود در روزهای ۲۸ و ۲۹ شهریور برگزار خواهد شد که بدینوسیله اصلاح می‌گردد.

یک فرشته برای تو!

یک پیام خاص برای آدمای خاص! این متن را تا آخر بخوان و در آخر خواهی فهمید که داشتن یک فرشته در کنارت چقدر واجبه!

دو فرشته روی زمین آمده بودند و وقتی شب شد به در خانه بسیار زیبایی رسیدند و قصد کردند شب را در همانجا بمانند. در زدند و صاحب خانه آنان را بداخل خانه دعوت کرد. اما در هنگام خواب، میهمانانش را به اتاق خواب مهمان نبرد بلکه آنان را به زیرزمین فرستاد. وقتی دو فرشته بر روی زمین سرد و خالی دراز کشیدند، فرشته بزرگتر متوجه سوراخی در دیوار شد و آن را پوشاند. وقتی فرشته جوانتر علت کار را جویا شد، در جوابش گفت که ظاهر هر چیز همیشه گویای حقیقت آن نمی باشد.

شب بعدی فرشتگان برای استراحت به در خانه یک کشاورز فقیر رسیدند. صاحب خانه آنان را با شادی بسیار پذیرفت و برای اینکه بتوانند شب راحتی بگذرانند، اتاق خواب خود و همسرش را در اختیار ایشان نهاد. هنگام طلوع صبح، فرشتگان، با اندوه صاحب خانه مواجه شدند و در حالی که همسرش غرق گریه بود گفت که در خلال شب گذشته گاوشان مرده بود؛ آن، تنها گاوی بود که داشتند و با شیر آن مایحتاج خود را تأمین می نمودند. فرشتگان برکت خدا را برای میزبانان مهربانشان طلبیدند و خداحافظی کرده به راه خود ادامه دادند.

فرشته جوانتر که بسیار عصبانی بود، در طول راه روبه فرشته بزرگتر کرد و گفت: دو شب پیش، ما نزد یک خانواده ثروتمند بودیم و تو حتی سوراخ دیوارشان را برایشان تعمیر کردی. اما دیشب با اینکه نزد یک خانواده فقیر بودیم و آنقدر هم نسبت به ما محبت کردند، تو اجازه دادی که گاو ایشان که تنها سرمایه آنان بود، بمیرد. فرشته بزرگتر در جواب گفت: **ظاهر هر چیز همیشه گویای حقیقت آن نیست!** وقتی ما پیش آن خانواده ثروتمند بودیم، متوجه شدم که صاحب خانه مرد خوش دلی نیست. به همین دلیل سوراخی را که در آن طلا پنهان کرده بود، پوشاندم تا دیگر نتواند آنها را پیدا کند. و اما دیشب وقتی خواب بودیم متوجه شدم که فرشته مرگ بالا سر همسر صاحب خانه ایستاده؛ بعد از صحبت زیاد قانع اش کردم که بجای زن صاحب خانه، جان گاو را بگیرد.

ظاهر هر چیز همیشه گویای حقیقت آن نیست!

بعضی وقتها جریانات زندگی با آرزوهای قلبیمان چندان تقابری ندارند. اما اگر ایمان داشته باشیم، خواهیم فهمید که هر اتفاق دلسرد کننده ای، نهایتاً برای ما برکتی الهی را با خود به همراه دارد. دیروز، گذشته است؛ فردا، یک راز است؛ و اما امروز، یک هدیه می باشد. بد نیست بدانید که در همه زبانها لاتین ریشه کلمه "امروز" به معنی هدیه می باشد.

مگذارید که زمان حال فقط یک زمان گذرا باشد ، بلکه در آن زندگی کنید و طعم آن را دریابید. یادتان باشد که :



- کسی هست که به تو افتخار می کند.
- کسی هست که به تو فکر می کند.
- کسی هست که نگران توست.
- کسی هست که همه چیزش را با تو تقسیم می کند.
- کسی هست که می خواهد با تو باشد.
- کسی هست که خیر ترا می خواهد.
- کسی هست که کمک تو برایش خیلی مهم است.
- کسی هست که دست ترا می گیرد.
- کسی هست که آرزو دارد ترا همیشه موفق ببیند.
- کسی هست که آرزوی خوشبختی ترا دارد.
- کسی هست که از پیشرفت تو خیلی خوشحال می شود.
- کسی هست که می خواهد به تو یک هدیه دهد.
- کسی هست که تو برایش یک هدیه هستی.
- کسی هست که ترا همانطور که هستی دوست دارد.
- کسی هست که ترا تحسین می کند.
- کسی هست که وقتی به فکر تو می افتد ، لبخند می زند.
- کسی هست که آماده است در وقت سختی همیشه در کنار تو باشد.

این متن را به کسی که وقتی به فکرش می افتم ، لبخند می زنی بده تا او هم بفهمد که داشتن یک فرشته نگهبان چقدر شیرینه!

نیایش

نمی توانیم گذشته را تغییر دهیم و تنها باید خاطرات آن را
به یاد بسپاریم
و لغزشهای گذشته را تجربه راه خود بسازیم
همینطور نمی توانیم آینده را پیش بینی کنیم .
تنها باید امیدوار باشیم و دعا کنیم تا هر آنچه نیکوست
برایمان رقم بخورد .
خدای عزیزم به همه ما کمک کن .

نگاه دیگری به زندگی

او برای کسانش طلب تسلی نکرد
بلکه خواست تا به دفاع از حیات
آن را احترام نهند و برای بهبود آن بکوشند
و بالاخره با آهنگی دل انگیز شادی حیات را برای همگان بسرایند.

خداوندا، دوست من رنجش را به تو تقدیم نکرد
چون می گفت رنج یک بدی است
و خدا رنج و بدی را دوست ندارد
بلکه او مبارزه طولانی و
پر عذابش بر علیه
رنج و درد را تقدیم تو نمود.
نیروی این مبارزه و قوت آن
از تو بود، ای خداوند.
قدرت عشق و ایمان لازم را
تو به او بخشیدی تا به دام یاس نیافتد
تو او را ایمان به زندگی بخشیدی
همان زندگی ای که تو آن را از بطن
مرگ برخیزاندی .

دوست من رنج و دردش را به تو تقدیم نکرد
اما مثل تو و با تو ای مسیح ،
نجات دهنده ،
زندگی اش را بخشید
تا زندگی در ما ادامه یابد.

خداوندا ، دوست من امشب مرد
و من گریستم
اما قلب من آرام بود
چون مرد و با تو
به من حیات بخشید.

خدایا!

نیزه سختی ها و راه دشوار زندگی مجروحم کرده است
در معبد درون می نشینم که معبد عشق است .
شاهد عشق تو ،
در درونم جاری می شود
و تمامی جراحاتم را التیام می بخشد.

خداوندا ، دوست من امشب مرد. تا آخرین نفس و تا آخرین
دقیقه زندگی او به همراه خانواده و طبیعتش
با سرطان مبارزه کردند.

خداوندا، من نگفتم که این خواست تو بود من از اراده مقدس تو
چیزی نگفتم . بلکه خیلی آهسته ،
آنقدر که کسی نشنود، چون هیچکس نمی توانست
مرا درک کند، آری، با زمزمه ای گفتم که
خدایا دوست من مرد و تو هیچ کاری نتوانستی بکنی!

آنچه که دیوانه وار انتظارش داشتم آنچه که مثل یک احمق به آن
امید بسته بودم ، نشد!
گریستم
شکستم
تکه شدم
اما قلبم آرام بود.

امروز صبح فهمیدم که تو با من می گریستی!

خداوندا، از رحمت تو و به خاطر دوست خوبم
من فهمیدم که تو مرگ را نمی خواهی بلکه حیات را
حتی بیشتر از ما، چون بیش از ما محبت داری .
یاریم کن تا به این ایمان داشته باشیم!
مرگ زودرس فرزندان باعث رنج توست .

فهمیدم که غیر از موارد استثنایی
که این هم در راز تو نهفته
تو ای خداوند به خاطر عشق و اطمینان به انسان
هرگز به جای ما تلاش و مبارزه نمی کنی
بلکه همراه ما می جنگی و عذاب می کنی .
آری فهمیدم ...

چون دوست من هرگز از تو معجزه ای برای خودش نخواست
دعای او برای طبیعت معالجتش بود
تا نیروی تحقیق و قوت مبارزه با بیماری یابند.

او برای خود، قدرت تحمل خواست
نیروی مواجه شدن با دو عمل سخت و آزمایشات بعدی
برای اینکه بیماران بعد از او کمتر عذاب ببینند و حتی شفا یابند.

علم و ایمان در کنار هم ...

در حالی که جستجوی خدا وابسته به خود حیات است . اگر می خواهیم به خدا نزدیکتر شویم ، باید انسان و در وهله اول خودمان را عمیق تر بشناسیم . بنابراین در این مورد هر انسانی یک محقق محسوب می شود و قادر است به جوابهای بس عمیقی درباره خدا دست یابد.

خبرنگار: پس در حقیقت انسان هیچ وقت نمی تواند درباره وجود خدا مدارکی ارائه دهد. این درست است؟

ژاک آرنولد: این درست نیست که یک دانشمند آن طوری که درباره «ماده» به تحقیقات می پردازد ، دست به تحقیق درباره وجود خدا بزند. همانطوری که اگر یک دانشمند ستاره شناس بگوید که خدا وجود ندارد چون من او را از پس تلسکوپ خود نمی بینم ، حرفی است خالی از ارزش و اصلاً خنده دار. به طور کلی مثل همه انسانهای دیگر در میان دانشمندان هم ، ایمان دار و غیر ایمان دار وجود دارد. خلاصه اینکه اطلاعات و آگاهی و علم یک دانشمند همیشه راهنمای او به سوی خدا نیستند. علم خیلی کمتر از آن است که چنین ادعایی بکند.

خبرنگار: پس می توان هم به علم اعتقاد داشت و در عین حال یک ایماندار بود.

ژاک آرنولد: البته! برای شناختن خدا باید به کلام او مراجعه کرد. همانطور که برای شناختن یک کهکشان ، باید به تحقیقات مربوطه و یا به متخصص این کار رجوع نمود. نباید در کتاب مقدس به دنبال اطلاعاتی درباره چگونه شکل گرفتن عالم مادی بود و نه در تحقیقات یک فضا شناس به دنبال آدرس خدا در آسمانها گشت .



اساس و اعتقاد یک دانشمند بر مدارک و اسناد کشف شده است ، حال آنکه یک ایماندار هیچ مدرکی دال بر وجود خدا نمی تواند ارائه دهد ... آیا در این صورت می توان هم یک عالم بود و هم یک ایماندار؟ آقای ژاک آرنولد ، یک کشیش و منجم است ، با او در این باره صحبت می کنیم .

خبرنگار: شما چرا کشیش شده اید؟

ژاک آرنولد: «سؤال» همیشه محرک کافی برای من در تحقیقاتم بوده است ، و باید بگویم که خدا برای انسان اولین و بزرگترین «سؤال» است . از جوانیم می دانستم که هرگز آنقدر عمر نخواهم کرد تا بتوانم جواب همه سؤالهایم را بیابم . وجود خدا همیشه برایم یک سؤال بود. و رفته رفته با نزدیکتر شدن به جواب ، دلیل کشیش شدنم فراهم شد.

خبرنگار: چرا شما علم را دوست دارید؟

ژاک آرنولد: علم هم منبع سئوالات است . هر محققی در مقابل سئوالاتی قرار می گیرد و از همان لحظه تحقیقات او آغاز می گردند ، و تا به کشفیاتی دست نیابد آرام نمی گیرد. البته اشتباهات زیادی هم رخ می دهد ، اما همیشه اشتباه یک مانع نیست ، بلکه گاهی تبدیل به راه حل می شود. در هر حال همه ما می دانیم که هرگز انسان به همه چیز پی نخواهد برد.

خبرنگار: شما به عنوان یک عالم و محقق آیا می خواهید دلایل و مدارکی عینی دال بر حضور و وجود خدا داشته باشید؟

ژاک آرنولد: خیر ، نباید همه چیز را با هم قاطی کرد! علم و ایمان به سئوالات واحدی جواب نمی دهند. دانشمندان سعی دارند دریابند که جهان مادی چگونه در کار است ؛ و در این باره به مشاهدات و آزمایشات می پردازند.

اخبار و تقویم کلیسای

- یکشنبه ۱۰ شهریور ۹۲ = ۱ سپتامبر ۲۰۱۳، یکشنبه دوم الیا
رساله: تسالونیکیان فصل ۲ آیه ۱۵ الی فصل ۳ آیه ۱۸
انجیل: متی فصل ۱۳ آیه ۱ الی ۲۳

- یکشنبه ۱۷ شهریور ۹۲ = ۸ سپتامبر ۲۰۱۳، یکشنبه سوم الیا
رساله: فیلیپیان فصل ۱ آیه ۱۲ الی ۲۵
انجیل: متی فصل ۱۳ آیه ۲۴ الی ۴۳

- ۲۳ شهریور ۹۲ = ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۳، عید صلیب مقدس نماز این عید به یکشنبه ۲۴ شهریور ۹۲ = ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۳ انتقال می یابد.

- یکشنبه ۲۴ شهریور ۹۲ = ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۳، یکشنبه اول صلیب
رساله: فیلیپیان فصل ۱ آیه ۲۷ الی فصل ۲ آیه ۱۱
انجیل: متی فصل ۴ آیه ۱۲ الی فصل ۵ آیه ۱۶

- یکشنبه ۳۱ شهریور ۹۲ = ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۳، یکشنبه دوم صلیب
رساله: فیلیپیان فصل ۳ آیه ۱ الی ۱۴
انجیل: متی فصل ۱۷ آیه ۱۴ الی ۲۷

- یکشنبه ۷ مهر ۹۲ = ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۳، یکشنبه سوم صلیب
رساله: فیلیپیان فصل ۴ آیه ۴ الی ۲۳
انجیل: متی فصل ۱۵ آیه ۲۱ الی ۳۸

تاریخ جدید برگزاری تأثر جوانان

بدینوسیله به اطلاع می رساند که گروه جوانان کلیسای حضرت یوسف

در تاریخ ۱۱ مهرماه ۱۳۹۲

تأثری به نام تولد، خاطرات، مرگ را آماده نمایش دارند.

برای تهیه بلیط متعاقباً اعلام خواهد شد.